

دریچه

گام‌های کند هاوانا

برای آزادی زندانیان سیاسی

اولین فرد از ۱۳ زندانی سیاسی کوبایی مخالف باقی‌مانده که از سال ۲۰۰۳ در زندان این کشور به سر می‌برند، آزاد شد و به خانه خود بازگشت.

به گزارش ایسنا به نقل از آسوشیتدپرس، این آزادی نشانه‌ای قوی از قصد دولت کوبا برای آزادی تمام زندانیان به رغم عدم پذیرش شرط تبعید توسط آنهاست. برتا سولر عضو گروه مخالف «زنان سفیدپوش» به این خبرگزاری گفت: ارنالدو راموس لانوزوریک به خانه خود در هاوانا بازگشته است. سولر گفت: یکی دیگر از زندانیان که از نظر دادن در مورد پیشنهاد دولت برای تبعید به همراه خانواده‌اش خودداری می کرد، سرانجام تصمیم به پذیرش این پیشنهاد گرفت. او افزود: لوئیس نریکو فرر گارسیا به زودی به همراه خانواده‌اش کوبا را به قصد اسپانیا ترک خواهد کرد.

هنوز هیچ نظری از سوی کلیسای کاتولیک رم که این آزادی‌ها را اعلام کرده بود، اعلام نشده است. دولت کوبا در پی این آزادی‌ها از هر گونه اظهارنظری خودداری کرده است.

راموس ۶۸ ساله در سال ۲۰۰۳ به همراه ۷۴ فعال سیاسی دیگر به جرم گرفتن پول و حمایت امریکا برای صدمه زدن به انقلاب کوبا به ۱۸ سال زندان محکوم شد. برخی از آنها پس از آن به دلیل بیماری از زندان آزاد شدند.

کاردینال خائیم اورتگا پس از جلسه‌ای با رائول کاسترو، رئیس‌جمهور کوبا، در هفتم ژوئیه اعلام کرد: ۵۲ زندانی باقی‌مانده طی چهار ماه آینده آزاد خواهند شد.

۲۹ تن از زندانیان آزاد شدند و به تبعید به اسپانیا فرستاده شدند، اما این روند برای ۱۳ زندانی باقی‌مانده که با تبعید مخالفت کردند، معلق باقی ماند. ضرب‌الاجل هفتم نوامبر برای آزادی این افراد در حالی گذشت که هیچ خبری در مورد سرنوش زندانیان نبود، اما در روزهای اخیر دولت نشانه‌هایی بروز داده مبنی بر اینکه برنامه‌هایی برای عملی کردن قولش دارد. همسر یکی دیگر از زندانیان به «سوشیتدپرس» گفت: یک مقام امنیتی دولت با این زندانی دیدار کرده و به وی گفته در همین ماه به خانه‌اش باز خواهد گشت.

«لئورا پولان» رهبر گروه زنان سفیدپوش اظهار کرد مقامات کلیسا، به همسر زندانی گفته‌اند صبور باشد. وی افزود: آنها گفتند توافقنامه به قوت خود باقی است و روند آزادسازی با وجود اینکه ضرب‌الاجل به پایان رسیده ادامه خواهد داشت. با این حال آزادی راموس اولین نشانه عینی از روند ادامه‌دار آزادسازی این زندانیان بوده است. سولر که همسرش انخل مویا نیز یکی از زندانیانی است که تبعید را نپذیرفته، گفت: ارنالدو اولین زندانی آزادشده از بین ۱۳ تن بود و در حال حاضر حالش خوب است. برخی از زندانیان قول داده‌اند به محض آزادی به مبارزه‌شان برای دموکراسی ادامه دهند، اما هنوز مشخص نیست که آیا راموس نیز فعالیت‌های سیاسی خود را سر خواهد گرفت یا خیر.

خبر

سفری رپوده‌شده افغانستان آزاد شد

دفتر ریاست‌جمهوری افغانستان تایید کرده است که «عبدالخالق فراهی» سر کنسول رپوده شده افغانستان در پیکانور پاکستان، پس از آزادی به کابل رسیده است. دفتر حامد کرزی رئیس‌جمهوری افغانستان در اعلامیه‌ای گفته است فراهی در پی «تلاش‌های مداوم دولت‌های افغانستان و پاکستان»، روز شنبه (۲۲ عقرب/آبان) آزاد شده است.

فراهی کمی پیشتر از رپوده شدنش در سپتامبر ۲۰۰۸ از منطقه حیات‌آباد شهر پیشاور به عنوان سفیر کشورش در اسلام‌آباد معرفی شده بود. دفتر ریاست‌جمهوری افغانستان گفته کرزی و معاونان او با



فراهی در کابل دیدار کرده‌اند و او پس از آن به خانه‌اش در کابل رفته است. دفتر کرزی افزوده است فراهی از نظر سلامتی، در وضعیت خوبی قرار دارد.

تاکنون جزئیات درباره رهایی فراهی افشا نشده است. پیش از این گروهی که مدعی ربودن فراهی شده است، گفته بود در مورد آزادی فراهی با دولت افغانستان مذاکره کرده و درخواست‌هایی را در این مورد مطرح کرده است.

در ماه مه گذشته ویدئویی از فراهی از سوی این گروه منتشر شد و فراهی در این ویدئو گفت رایندگان او را متهم به همکاری با «دولت دست‌نشانده امریکا در افغانستان» کرده‌اند.

یک فرد نقابدار که در کنار فراهی در این ویدئو ظاهر می‌شود، می‌گوید که دولت افغانستان به درخواست‌های گروه او در آزادی بدل سفیر افغانستان توجهی نکرده است. اما دیپلمات‌های افغانستان در پاکستان هر نوع گفت‌وگو با رایندگان فراهی را در گذشته رد کرده‌اند. حالا مشخص نیست که سفیر سابق افغانستان در اسلام‌آباد بر اساس چنین گفت‌وگوهایی آزاد شده است یا نه. اما برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که فراهی در منطقه‌ای در ولایت خوست در جنوب افغانستان به مقام‌های دولت افغانستان تحویل داده شده است. یک مقام امنیتی در ولایت خوست آزادی عبدالخالق فراهی را تایید کرده و گفته فراهی از خوست به کابل فرستاده شده است.



اگر آنگ سان سوکی نبود نام میانمار برای بسیاری از مردم جهان ناشناخته می‌ماند؛ کشور کوچکی در جنوب غرب آسیا که پیش از این برمه نامیده می‌شد و تا سال ۱۹۴۸ مستعمره بریتانیا بود. میانمار که در منطقه‌ای میان فلات تبت و شبه‌جزیره مالی قرار گرفته است بر اساس آخرین سرشماری انجام‌شده بیش از ۴۰ میلیون نفر جمعیت دارد. این کشور دارای یکی از ضعیف‌ترین اقتصادهای کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیاست. نزدیک ۸۰ درصد جمعیت برمه در روستاها زندگی می‌کنند و شاخص‌های توسعه انسانی حتی با معیارهای منطقه‌ای اسفبار است.

آنگ سان سوکی تنها دختر ژنرال آنگ سان پدر استقلال میانمار است؛ کسی که پس از سال‌ها مبارزه با اشغالگران ژاپنی و انگلیسی در سال ۱۹۴۷ به نمایندگی از استقلال‌طلبان برمه برای گفت‌وگو و توافق در مورد شرایط جدایی با دولت بریتانیا وارد مذاکره شد. ژنرال آنگ سان یک سال بعد و زمانی که آنگ سان سوکی تنها دو سال داشت، ترور شد. «آنگ سان سوکی» که بسیاری از مردم برمه او را به احترام «عمه» صدا می‌زنند نامش را وامدار سه تن از بستگان درجه یک خود است؛ او «آنگ سان» را از پدر، «سو» را از مادر بزرگ و «کی» را از مادرش به عاریت گرفته است. مادر خانم سوکی نیز مانند خود او یک چهره فعال و شناخته‌شده در

عرصه سیاسی کشورش به شمار می‌رفت. او پس از ترور شوهرش همچنان به فعالیت سیاسی خود ادامه داد تا جایی‌که در دهه ۶۰ میلادی در ماموریت‌های دیپلماتیک به سفارت برمه در کشورهای هند و نپال فرستاده شد. سوکی در این سال‌ها همراه مادر خود زندگی می‌کرد به همین دلیل تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه دهلی‌نو در رشته علوم سیاسی و فلسفه به پایان رساند. او پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه در دفتر سازمان ملل متحد در نیویورک مشغول به کار شد. جایی که در آن با همسر آینده‌اش که یک استاد دانشگاه انگلیسی به نام «مایکل اریس» بود، آشنا شد. زندگی سوکی تا دهه ۸۰ میلادی فارغ از هیاهو و کشمکش‌های سیاسی جریان داشت. او به همراه شوهرش به لندن مهاجرت کرد و دو پسرش «الکساندر» و «کیم» را در همین شهر به دنیا آورد. سوکی در این زمان به همراه شوهرش که یک پژوهشگر برجسته در زمینه فرهنگ تبت محسوب می‌شد به کار و پژوهش دانشگاهی مشغول بود. سوکی در سال ۱۹۸۵ از بخش مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در مقطع دکترا فارغ‌التحصیل شد. اما در سال ۱۹۸۸ همه چیز به یکباره و به صورت تصادفی دگرگون شد. او در این سال برای دیدار و عیادت از مادر بیمار خود به برمه بازگشت. بازگشت سوکی به برمه مصادف شد با اوج‌گیری و سرکوب اعتراضات مردمی به حکومت دیکتاتوری ژنرال «نئون». با وجود سرکوب خشن و خونین مخالفان، در ۲۶ آگوست ۱۹۸۸ نیم میلیون برمه‌ای با تجمع در برابر یک معبد بودایی در رانگون، خواستار پایان حکومت دیکتاتوری و برگزاری انتخابات آزاد شدند.

سوکی که در ابتدا برای یک سفر کوتاه‌مدت به کشورش بازگشته بود تحت تاثیر اوج‌گیری مبارزات همه‌پهنانش، به جنبش دموکراتیک این کشور پیوست. سوکی برای پیشبرد مبارزات آزادیخواهانه مردم میانمار به همراه دیگر رهبران مخالف حزب «اتحاد ملی برای دموکراسی» را پایه‌ریزی کرد و بی‌درنگ به دبیر کلی این حزب برگزیده شد. سوکی در این دوران برای آگاهسازی مردم برمه سخنرانی‌های بسیاری در سراسر این کشور انجام داد که در آنها به روشنی از دیدگاه حقوق‌بشرطلبانه و مداراچوبانه خود در مبارزه در راه آزادی و دموکراسی سخن می‌گفت. او در یکی از سخنرانی‌های مشهورش



مروری بر زندگی رهبر مخالفان برمه

روح گاندی و ماندلا در کالبد یک زن

ملاز بار خسروی

به نام «آزادی از ترس» خطاب به حاکمان نظامی برمه گفت: «این خود قدرت نیست که منجر به فساد می‌شود بلکه ترس از دست دادن قدرت است که سبب می‌شود کسانی که در معرض آن قرار دارند تحت تاثیر آن، خود را به هر فسادِی آلوده کنند و خواسته‌های مردم را نادیده بگیرند.» او معتقد است ترس، همیز و دلیل اصلی بیشتر دیکتاتورهای جهان برای از دست دادن بصیرت و نادیده‌گرفتن حقوق مردم است. سرانجام اوج‌گیری اعتراضات مردمی و حمایت جهانی از مبارزه بدون خشونت برمه‌ای‌ها، دولت نظامی را وادار به پذیرش برگزاری انتخابات چندحزبی کرد. این در حالی بود که نظامیان حاکم پیش از برگزاری انتخابات سوکی را به اتهامات امنیتی به حبس خانگی محکوم کرده بودند. بسیاری بر این باورند که ژنرال‌های حاکم بر میانمار گمان می‌کردند حزب «اتحاد ملی برای دموکراسی» در نبود رهبر کارزماتیک خود و زیر فشارهای پیدا و پنهان حکومت انسجام خود را از دست داده و توانایی پیروزی در انتخابات را نخواهد داشت. این محاسبات در آن زمان چندان دور از ذهن نمی‌رسید چراکه اکثریت مردم برمه را توده‌های روستایی تشکیل می‌دادند که بسیاری از آنان حتی سواد خواندن و نوشتن نیز نداشتند. از همین روی کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که یک تشکل سیاسی آزادپخواه در چنین فضایی قادر به برقراری ارتباط و رساندن پیام خود به گوش توده‌های ظاهرآ خاموش مردم این کشور در انتخابات سال ۱۹۹۰ باشد. با این همه هیچ کدام از محاسبات نظامیان حاکم درست از آب درنیامد. حزب خانم سوکی در حالی که خود او در حبس خانگی به سر می‌برد و تمامی راه‌های ارتباطش با جهان خارج مسدود شده بود، توانست نزدیک به ۶۰ درصد آرا را به دست بیاورد و عملاً اکثریت کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص دهد. در همین شهر به ترتیب و بر اساس قانون، آنگ سان سوکی باید عملاً عهده‌دار سمت نخست‌وزیری می‌شد. ژنرال‌های کودتاجی اما حاضر به پذیرش رای مردم نشدند. آنان انتخابات را باطل، در کشور حاکم فوق‌العاده اعلام و حبس خانگی خانم سوکی را تمدید کردند.

نکته

این خود قدرت نیست که منجر به فساد می‌شود بلکه ترس از، از دست دادن قدرت است که سبب می‌شود کسانی که در معرض آن قرار دارند تحت تاثیر آن، خود را به هر فسادِی آلوده کنند و خواسته‌های مردم را نادیده بگیرند.



زمان ۱۸ سال داشت برای دریافت این جایزه راهی اسلو شد. او از سوی مادرش جایزه صلح نوبل را به تمامی مردم برمه تقدیم کرد و گفت: «این جایزه متعلق به آنهاست و پیروزی نهایی در پی‌کاری درازمدت، صلح، آزادی و دموکراسی را به برمه باز خواهد گرداند.» سوکی در عمل نیز این سخن را به اثبات رساند؛ او تمامی مبلغ ۱/۳ میلیون دلاری جایزه نوبل را به بهبود وضعیت بهداشتی و آموزشی مردم کشورش به ویژه کودکان اختصاص داد. به گفته معدود خبرنگاران، در ۲۰ سال گذشته موفق به دیدار و گفت‌وگو با رهبر زندانی مخالفان برمه شده‌اند، او اغلب وقت خود را در حبس خانگی به مطالعه، نوشتن زندگینامه همسرش و نواختن پیانو می‌گذراند. این در حالی است که هوادارانش در همه این سال‌ها تلاش می‌کردند با توسل به اقداماتی نمادین از جمله گرفتن جشن تولد در نزدیکی خانه محاصره‌شده، او یاد و خاطره خانم سوکی را زنده نگه دارند. به گفته گروه‌های مدافع حقوق بشر دولت نظامی برمه در دو دهه گذشته در هیچ زمانی از میزان آزار و تعقیب مخالفان نکاسته است، به گونه‌ای که هم‌اکنون نزدیک به ۲۱۰۰ تن به عنوان زندانی سیاسی در زندان‌های این کشور محبوس هستند. دولت نظامی برمه همزمان با سرکوب مخالفان سیاسی، درگیر نبردی پرخشونت با اقوام و قلیت‌های دینی ساکن این کشور بوده است. نزدیک به ۱۰ درصد



گزارش

دولت برلوسکونی در آستانه فروپاشی

بحران دولت در ایتالیا در حالی مرحله جدیدی را تجربه می‌کند که نخست‌وزیر خونسرد این کشور را می‌توان علت اصلی این بحران دانست.

پایگاه اینترنتی زوددویچه آلمان در گزارشی با اشاره به انتقادات روزافزون از سیلیویو برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا و تنگ‌تر شدن عرصه برای وی آورده است: حضور برلوسکونی به عنوان نخست‌وزیر ایتالیا این کشور را به مرحله جدید سیاسی کشانده است. اکنون آینده دولت تحت تاثیر زندگی شخصی وی و همین‌طور سیاست‌های نه چندان کارآمد اقتصادی‌اش قرار گرفته است.

درحالی که برلوسکونی پیشتر با نادیده گرفتن مشکلات و انتقادات روزافزون از خود تنها با خونسردی از بحران این کشور تحت عنوان «وجود تنها راه‌ای مشکلات» یاد کرده بود، اکنون وی شاهد جدی شدن مشکلات این کشور تا حدی است که ممکن است به قیمت سرنگونی دولتش تمام شود. در حالی که احزاب مخالف در کابینه دولت و حتی برخی از هم‌حزبی‌های وی خواستار استعفا ی برلوسکونی شده‌اند، وی با صراحت تمام ضمن رد شایعه استعفا ی خود بیان می‌دارد که برنامه‌ای برای خروج از دولت آن هم در شرایط فعلی ایتالیا ندارد.

در هر صورت با عملی شدن استعفا ی چهار تن از اعضای کابینه دولت سقوط برلوسکونی که پیشتر کارشناسان سیاسی به گمانه‌زنی در خصوص آن پرداخته بودند، نزدیک‌تر می‌شود.

وضعیت تراژیکی که اکنون ایتالیا در گیر آن است، به غیر از مسائل اخلاقی نخست‌وزیر آن، به اصلاحات در سیستم قضایی این کشور نیز برمی‌گردد، چراکه از طریق این مساله مصونیت سیاسی برلوسکونی تأمین شده است. علاوه بر این، رسوایی‌های اخلاقی و تکراری برلوسکونی در کنار وضعیت نه چندان مطلوب اقتصادی این کشور باعث شده است نه‌تنها بخش غالب محافظه‌کاران راست دولت ایتالیا از وی فاصله بگیرند که حتی «جیان فرانکو فینی» متحد سابق وی و رئیس پارلمان این کشور نیز به خطرناک‌ترین عامل برای تجدید حیات سیاسی برلوسکونی تبدیل شود.

در هر صورت مساله‌ای که اکنون محافل سیاسی ایتالیا را تحت تاثیر خود قرار داده است، گمانه‌زنی درخصوص استعفا ی اعلام شده طرفداران فینی در دولت است و اینکه این مساله تا چه حد بقای سیاسی دولت ایتالیا را تهدید می‌کند، چرا که در صورت عملی شدن استعفا ی این چهار تن در کابینه دولت، برلوسکونی اکثریت پارلمان را از دست خواهد داد و در صورتی که وی رای اعتماد



پارلمان را از دست دهد، در این صورت انتخابات جدید برگزار می‌شود.

برلوسکونی تاکنون در پاسخ به تمام درخواست‌ها برای استعفا تنها بر این مساله تاکید کرده است که درخواست برای استعفا را نخواهد پذیرفت و تنها رای مردم است که برای دموکراسی این کشور تعیین‌کننده است. او قادر خواهد بود پست نخست‌وزیری را از وی بگیرد.

تنش سیاسی برلوسکونی و فینی و جنگ قدرت بین این دو که در کنار اقدامات نخست‌وزیر ایتالیا، حیات دولت وی را به بازی گرفته است، اولین بار زمانی شدت گرفت که برلوسکونی در تابستان سال جاری از فینی درخواست کرد که از حزب «مردم آزادی» حزب حاکم، بیرون برود. فینی از آن پس اقدام به تاسیس حزب «آینده و آزادی» برای ایتالیا کرد و طرفداران بسیاری را برای خود جمع کرد.

درخواست برای استعفا ی برلوسکونی در حالی حتی پیشتر از سوی فینی صورت گرفته بود که جنورجیو ناپولیتانو رئیس‌جمهور ایتالیا، با برگزاری انتخابات جدید مخالفت کرده بود. ناپولیتانو درخواست کرده بود حداقل تا زمان تصویب بودجه سال ۲۰۱۱، دولت به کار خود ادامه دهد.

بسیاری از کارشناسان سیاسی در شرایط فعلی معتقدند دولت سیلیویو برلوسکونی بیش از این نمی‌تواند دوام بیاورد، ولی هنوز درباره اینکه آیا امکان دارد وی قبل از پایان دوره نخست‌وزیری خود یعنی سال ۲۰۱۳ این پست را ترک کند، قضاوت‌های قطعی انجام نشده است؛ هرچند اعلام استعفا ی برخی اعضای کابینه اکنون این ظن را تقویت می‌کند.

برلوسکونی تاکنون با منحرف کردن افکار عمومی و به شوخی گرفتن مساله، خود را از برخی جنجال‌های اخلاقی نجات داده است. البته مردم ایتالیا اکنون کمتر به شوخی‌های برلوسکونی می‌خندند و محبوبیت وی نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است. وی حتی حمایت کارفرمایان را از دست داده است و آنها نخست‌وزیر ایتالیا را به فلج کردن اقتصاد کشور متهم می‌کنند.

منبع: ایسنا